

بررسی روند تحولات "جمعیت مؤسسه ای" در ایران (۸۵-۱۳۴۵)

دکتر کوروش مهرتاش^۱

افسانه مرادپور^۲

چکیده

برخی از افراد و گروه های جامعه به منظور ارائه خدمات در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و یا به دلیل ناتوانی و نیازمندی ناگزیرند در خارج از خانواده و در مؤسسات گروهی^۳ زندگی نمایند و میزان موفقیت این مؤسسات در درجه اول مبتنی بر توان پاسخگویی آنها در تأمین نیازهای اولیه این خانوارها و بهره مند ساختن آنان از خدمات بهداشتی، درمانی و رفاهی می باشد. این امر نیز در صورتی امکان پذیر است که نیازهای مذکور با توجه به تعداد و ساختار جمعیتی آنان شناسایی شود، امکانات و تسهیلات لازم متناسب با این نیازها فراهم گردد و همزمان با روند رشد خانوارهای مذکور گسترش یابد. از این رو در تحقیق حاضر روند تحولات در تعداد و ساختار جمعیتی افرادی که تحت عنوان "جمعیت مؤسسه ای"^۴ در اقامتگاه های گروهی کشور (از قبیل تأسیسات نظامی و انتظامی، مراکز آموزشی شبانه روزی، برخی از مراکز درمانی و توانبخشی، آسایشگاه های سالمندان و بیماران روانی و نیز مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست) به سر می برند طی سال های ۸۵-۱۳۴۵ مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که تعداد جمعیت مؤسسه ای کشور در مدت زمان مذکور تقریباً ۷ برابر گردیده و در این میان روند تحولات و میزان رشد در جمعیت گروه هایی مانند کودکان، جوانان ۲۴-۱۵ ساله، زنان و سالمندان سریع تر از دیگر گروه ها صورت گرفته و به تبعیت از افت و خیزهای اقتصادی-اجتماعی در برخی از دوره ها با نوسانات شدیدتری نیز همراه بوده است.

واژگان کلیدی:

- مؤسسات گروهی، جمعیت مؤسسه ای، میزان رشد، ترکیب سنی، ترکیب جنسی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. کارشناس ارشد جمعیت شناسی

3- total institutions

4- institutional population

مقدمه

تخصص و تقسیم کار ناشی از پیشرفت سریع علم و تکنولوژی در عصر جدید تحولات فرهنگی و اجتماعی را به دنبال داشته که یکی از پی آمدهای آن تغییر تدریجی در ساختار و عملکرد نهاد خانواده و از دست دادن بسیاری از وظایف و نقش های آن در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی در جوامع امروز بوده و این امر موجب گردیده تا برخی از افراد و گروه ها به منظور ارائه خدمات در عرصه های اقتصادی- اجتماعی و یا برخورداری از امکانات معیشتی و رفاهی در خارج از خانواده و در اقامتگاه های گروهی زندگی نمایند. به طور کلی این افراد که به عنوان "جمعیت مؤسسه ای" نامیده می شوند بر اساس تعاریف سازمان ملل عبارتند از کسانی که در تأسیسات نظامی و مؤسسات تأدیبی و جزائی، خوابگاه های مدارس و دانشگاه ها، بیمارستان ها، مؤسسات مذهبی و امثال اینها به سر می برند (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۲: ۲). در ایران نیز تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و جمعیتی از جمله عواملی بوده اند که موجب گردیده اند تا در دهه های اخیر دایم بر تعداد افراد ساکن در اقامتگاه های گروهی با روندی فزاینده و در برخی موارد غیر قابل تصور افزوده گردد.

اما مؤسسات مذکور به منظور حمایت از افراد و گروه های خاص جامعه و تأمین نیازهای اولیه آنان ایجاد گردیده اند و چنانچه امکانات و تسهیلات موجود در آنها به لحاظ کمی و کیفی نتواند همگام و متناسب با افزایش شمار ساکنین گسترش یابد، نتایجی برخلاف اهداف اولیه سازمان های مذکور به بار آمده و در نهایت جامعه از پی آمدهای زیانبار آن متأثر می گردد، بنابراین اجتناب از این امر تنها در گرو شناسایی این نیازها و به عبارتی مطالعه روند تغییرات ایجاد شده در ساختار جمعیتی ساکنین این مؤسسات می باشد. از این رو بررسی حجم، ترکیب جنسی و توزیع سنی جمعیت ساکن در مؤسسات گروهی در هر یک از سرشماری های عمومی سال ۱۳۴۵ و دوره های بعد از آن و نیز پی گیری میزان رشد سالانه آن طی سال های ۸۵-۱۳۴۵ از اهداف اصلی این تحقیق بوده و می تواند با ارائه تصویری جامع و گویا از روند جمعیتی ساکنین مؤسسات مذکور، ما را در جهت شناخت کمبودها و برطرف نمودن نارسایی ها یاری نماید.

ادبیات تحقیق

یکی از ویژگی های زندگی در جوامع مدرن تفکیک بین مکان های انجام فعالیت های اصلی زندگی (کار، استراحت و گذران اوقات فراغت) و نیز تمایز بین افراد و گروه هایی است که این فعالیت ها همراه با آنها انجام می گیرد. اما به تعبیر اروینگ گافمن در "مؤسسات دستجمعی" هیچگونه حد و مرزی بین جنبه های مختلف زندگی موجود نبوده و تمام فعالیت های روزمره افراد تحت نظارت و کنترل مسئولان، در یک مکان و به صورت گروهی انجام می گیرد. به طور خلاصه برخی از ویژگی های زندگی در این مؤسسات به صورت زیر می باشند:

- فعالیت ها برای رسیدن به یک هدف نهایی به دقت سازمان بندی شده و این فعالیت های ساختار یافته به طور ضمنی تحت کنترل می باشند.

- نقش ها در یک سیستم سلسله مراتبی شدیداً رتبه بندی شده اند و رفتار افراد نمایانگر موقعیت آنها در این سیستم می باشد.

- تحرک اجتماعی بین دو قشر و نیز حق انتخاب در این مؤسسات بسیار کم و محدود است.

- "مؤسسات گروهی" با سیستم خانواده ناسازگارند، به گونه ای که نگهداری و حفظ خانواده مشکل و تشکیل خانواده نیز با محدودیت هایی همراه می باشد (گافمن، ۱۹۶۱).

در مجموع می توان گفت که هر یک از مؤسسات گروهی کارکرد خاص خود را داشته و بنا بر مقتضیات سازمانی یک هدف نهایی را تعقیب می نمایند، میزان دستیابی آنها به اهداف از پیش تعیین شده نیز به مقدار زیادی مبتنی بر شناخت نیازهای جسمی، روانی و عاطفی ساکنین و برنامه ریزی در جهت پاسخگویی به این نیازها می باشد، که اطلاعات لازم در این زمینه با توجه به زیر ساخت های اداری و سازمانی کشورها بعضاً به شیوه ثبتي و غالباً با انجام سرشماری جمع آوری می گردد.

به طور کلی سازمان ملل در قالب توصیه هایی که برای سرشماری کشورهای مختلف جهان در دهه ۱۹۸۰ ارائه نموده "ساکنین" این نوع مؤسسات را تحت عنوان "جمعیت مؤسسه ای" عبارت از افرادی دانسته که در تأسیسات نظامی و مؤسسات تأدیبی و جزائی، خوابگاه های مدارس و

۱- برخی از کشورها واژه های دیگری مانند "خانوارهای مؤسسه ای"، "خانوارهای دستجمعی"، و "خانوارهای غیرخصوصی" را برای توصیف جمعیت مؤسسه ای به کار برده اند.

دانشگاه ها، بیمارستان ها، مؤسسات مذهبی و امثال اینها به سر می برند (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۲: ۲)، اما این سازمان در دهه ۲۰۰۰ "اقامتگاه ها" را به عنوان واحد اصلی شمارش در سرشماری ها توصیه نموده و این اقامتگاه ها خود به دو گروه تقسیم گردیده اند که عبارتند از اقامتگاه های جمعی و واحدهای مسکونی. همچنین در سرشماری دهه ۲۰۰۰ آمریکا کلیه افرادی که در خارج از واحدهای مسکونی و در اقامتگاه های گروهی ساکن بوده اند به دو دسته تقسیم گردیده اند که عبارتند از "جمعیت مؤسسه ای" و "جمعیت غیر مؤسسه ای".

در ایران نیز اطلاعات مربوط به افرادی که به علت داشتن خصوصیات و یا اهداف مشترک در مؤسساتی مانند پادگان های نظامی، خوابگاه های دانشجویی و یا آسایشگاه های روانی با یکدیگر زندگی می کنند از سال ۱۳۴۵ به طور جداگانه و تحت عنوان "خانوارهای دستجمعی" شمارش گردیده اند، اما از آنجا که در سرشماری های دهه ۲۰۰۰ آنچه بیشتر مورد تأکید و توجه سازمان ملل قرار گرفته ویژگی محل اقامت، نوع خدمات و چگونگی ارائه این خدمات به افراد تحت پوشش این مراکز بوده (و نه صرفاً شیوه زندگی به طور جمعی)، از این رو در سرشماری سال ۱۳۸۵ ایران نیز با توجه به شرایط زندگی خانوارهای غیرخانوادگی، عنوان "خانوار دستجمعی" به "خانوار مؤسسه ای" تغییر یافته و بنا بر تعریف مرکز آمار ایران "مجموعه افرادی که به دلیل داشتن اهداف یا ویژگی های مشترک با هم در یک مؤسسه زندگی می کنند و آن مؤسسه بنا بر مجوز یا بر اساس مقررات و ضوابط معینی مسئولیت منزل دادن (ارائه محل سکونت همراه با خدمات و تسهیلات) به آنان را بر عهده دارد خانوار مؤسسه ای نامیده می شود. نمونه های مشخصی از خانوارهای مؤسسه ای عبارتند از:

پادگان ها و پاسگاه های نظامی و انتظامی، خوابگاه های دانشجویی که تحت مدیریت یکی از دانشگاه ها اداره می شود بجز خوابگاه های متأهلین، آسایشگاه های روانی، خانه های سالمندان، شیرخوارگاه ها، آسایشگاه های معلولین، زندان ها و ندامتگاه ها، پانسیون ها و خوابگاه های دانش آموزی" (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷: ۸).

روش تحقیق

در تحقیق حاضر داده های مربوط به "خانوارهای مؤسسه ای" به منظور مطالعه و بررسی حجم آنها در هر یک از سرشماری های عمومی (از سال ۱۳۴۵ به بعد)، مقایسه و تطبیق ویژگی های جمعیتی در زیر مجموعه های مورد نظر و نیز ارزیابی فرایند تحولات ایجاد شده در آنها طی دهه های اخیر به روش توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. منابع آماری در این تحقیق عبارتند از اطلاعات مربوط به کلیه خانوارهای مؤسسه ای کشور که به روش اسنادی و با استفاده از نشریات نتایج سرشماری های منتشره از سوی مرکز آمار ایران طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ استخراج گردیده است.

یافته های تحقیق**۱- روند تغییرات حجم "جمعیت مؤسسه ای" کشور طی سال های ۸۵-۱۳۴۵**

ازدیاد روزافزون جمعیت ایران و متعاقب آن جوان تر شدن ساختار سنی آن، شرکت رو به گسترش زنان در مراکز آموزشی و حرفه ای، تغییر در ساختار و عملکرد نهاد خانواده و نیز از دست دادن برخی از کارکردهای آن در زمینه حمایت و نگهداری از اعضاء ناتوان و نیازمند خود و به طور کلی تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی از جمله عواملی بوده اند که موجب گردیده اند تا در دهه های اخیر همواره بر شمار افرادی که در خارج از خانوارهای معمولی و در مؤسسات گروهی به سر می برند افزوده گردد، به طوری که تعداد این افراد و به عبارتی حجم "جمعیت مؤسسه ای" کشور طی دهه ۵۵-۱۳۴۵ با نرخ رشدی سالانه معادل ۸/۵ درصد از ۱۵۸۸۷۹ نفر به ۳۵۸۲۳۶ نفر افزایش یافته، در حالی که نرخ رشد جمعیت کل در این دهه برابر با ۲/۷ درصد بوده است. قابل ذکر است که دهه مذکور به دنبال نرخ بالای رشد جمعیت کل در دهه قبل از آن (۴۵-۱۳۳۵)، مصادف بوده با اجرای برنامه های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده و نیز گسترش آموزش زنان در سطوح متوسطه و عالی و ورود آنان به بازار کار، که این دو عامل به میزان زیادی در کاهش باروری و در نتیجه تعدیل روند رشد جمعیت کل مؤثر بوده اند.

اما سرشماری سال ۱۳۶۵ بر اساس تعریفی جدید از خانوارهای مؤسسه ای به مورد اجرا گذاشته شد و بدین ترتیب تنها بیماران روانی (به جای کلیه بیماران در دوره های قبل) و نیز ساکنین خوابگاه های دانشجویی (به جای کلیه خوابگاه ها) شمارش گردیدند. همچنین افرادی که در

تأسیسات نظامی و انتظامی به طور جمعی به سر می بردند از آمار خانوارهای مؤسسه ای حذف گردیده و همراه با سایر اعضای خانوارهای معمولی خود شمارش شدند (مرکز آمار ایران، ۳۸۲: ۲۸) که اعمال این تغییرات موجب گردید تا تعداد جمعیت مؤسسه ای از ۳۵۸۲۳۶ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۲۸۱۷۴ نفر در سال ۱۳۶۵ کاهش یابد. در هر حال به منظور بررسی روند تحولات و مقایسه و تطبیق ساختار جمعیت مؤسسه ای سال ۱۳۶۵ با دوره های قبل و یا بعد از آن می توان این جمعیت را بر اساس آمار سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ حدود ۶۴۸۱۴۱ نفر برآورد کرده و بدین ترتیب نرخ رشد سالانه آن طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ را معادل ۶/۱ درصد فرض نمود. اما به نظر می رسد که به دلیل حاکم بودن شرایط جنگی در نیمه دوم دهه مذکور و در نتیجه بسیج نیروهای دفاعی و رزمنده، نگهداری اسرای جنگی و ایجاد مراکز نگهداری برخی از آوارگان جنگی، تعداد افراد تحت پوشش مؤسسات نظامی و انتظامی بسیار زیاد و در مجموع آمار جمعیت مؤسسه ای سال ۱۳۶۵ عددی بزرگتر از رقم برآورد شده باشد. در هر صورت جمعیت مؤسسه ای این روند رشد را در زمانی سپری نموده که جمعیت کل کشور به دلیل ترویج و گسترش باورها و نگرشهای دینی و مذهبی در بین اقشار مختلف مردم، وقوع جنگ و احساس نیاز مبرم به نیروی انسانی و نیز تعلیق برنامه های کنترل جمعیت از طرف مقامات مسئول، بالاترین نرخ رشد تاریخ خود و یکی از بالاترین نرخ های رشد سالانه جهان یعنی ۳/۹ درصد را تجربه می نمود و تنها در صورت تفکیک آمار گروه های تشکیل دهنده جمعیت مؤسسه ای می توان تأثیرات کمی و کیفی افزایش بی سابقه جمعیت کل کشور را بر ساختار جمعیت مؤسسه ای از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داد.

جدول ۱- مقایسه میزان رشد سالانه در جمعیت های "مؤسسه ای" و کل کشور ۸۵-۱۳۴۵

سال	جمعیت کل کشور	جمعیت مؤسسه ای کشور	درصد جمعیت مؤسسه ای در جمعیت کل کشور	نرخ رشد سالانه جمعیت کل نسبت به دهه قبل (درصد)	نرخ رشد سالانه جمعیت مؤسسه ای نسبت به دهه قبل (درصد)
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۳	۱۵۸۸۷۹	۰/۶۳	۳/۱	۰
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۳۵۸۲۳۶	۱/۰۶	۲/۷	۸/۵
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۴۸۱۴۱	۱/۳۱	۳/۹	۶/۱
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۹۳۸۰۴۷	۱/۵۶	۱/۹	۳/۸
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۱۰۴۱۵۲	۱/۵۷	۱/۶	۱/۶

*: خانوارهای مؤسسه ای برای اولین بار در سال ۱۳۴۵ به طور جداگانه شمارش گردیده اند.

** : تعداد جمعیت مؤسسه ای در این سال بر اساس جمعیت سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ برآورد

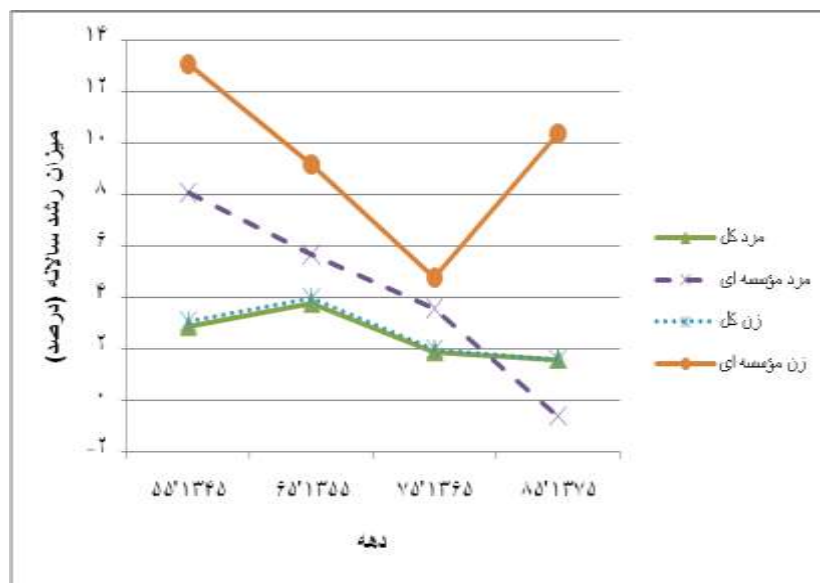
شده است.

در سال ۱۳۷۵ در نتیجه ادغام دوباره آمار افراد ساکن در مؤسسات نظامی و انتظامی به مجموعه جمعیت مؤسسه ای کشور، تعداد جمعیت مذکور برابر با ۹۳۸۰۴۷ نفر اعلام گردید که به دلیل یکسان نبودن زیر مجموعه های تشکیل دهنده این جمعیت با جمعیت مؤسسه ای رسماً اعلام شده در سال ۱۳۶۵، آن را با جمعیت سال ۱۳۵۵ مقایسه کرده و مشاهده می نمایم که این جمعیت طی دو دهه (۷۵-۱۳۵۵) با نرخ رشدی سالانه معادل ۴/۹ درصد به بیش از ۲/۶ برابر افزایش یافته است. این روند افزایشی در شرایطی اتفاق افتاده که جمعیت کل کشور به دلیل اقدامات و تمهیدات مسئولان اجرایی از سویی و تغییر در نگرش ها و هنجارهای مردم در راستای تحدید مولید از سوی دیگر، از نرخ رشدی کاهنده نسبت به دهه قبل (۱/۹ در مقایسه با ۳/۹ درصد) برخوردار بوده است. و بالاخره در سال ۱۳۸۵ تعداد افراد ساکن در ۱۶۳۸۸ خانوار مؤسسه ای برابر با ۱۱۰۴۱۵۲ نفر بوده که این رقم حاکی از نرخ رشدی سالانه معادل با ۱/۶ درصد نسبت به جمعیت مؤسسه ای سال ۱۳۷۵ (۹۳۸۰۴۷ نفر) می باشد و بدین ترتیب ملاحظه می گردد که در دهه اخیر روند رشد جمعیت مؤسسه ای کشور با جمعیت کل کماکان هماهنگ گردیده است، اما این امر لزوماً به معنی همسو بودن در پاسخگویی به نیازهای برخاسته از رشد جمعیت کل در دهه های اخیر نمی باشد. زیرا چنان

چه قبلا به آن اشاره گردید، شتاب نرخ رشد جمعیت کل خصوصا در نیمه دوم دهه ۶۵-۱۳۵۵ (۳/۹ درصد) منجر به افزایش نسبت جمعیت جوان در دهه ۸۵-۱۳۷۵ گردیده، و ۲/۲ درصد جمعیت کل در سرشماری سال ۱۳۸۵ بین سنین ۱۵ تا ۲۴ سالگی قرار داشته اند که این خود مستلزم تأسیس و گسترش هر چه بیشتر مؤسسات گروهی هم در راستای پیشبرد اهداف آموزشی و حرفه ای به منظور توسعه و بازسازی کشور و هم در زمینه ارائه خدمات بهداشتی، درمانی و رفاهی در جهت مقابله با تبعات اجتماعی برخاسته از چنین ساختار جمعیتی می باشد.

به طور کلی جمعیت مؤسسه ای کشور پس از طی سریع ترین روند رشد خود در دهه ۵۵-۱۳۴۵، طی سال های ۷۵-۱۳۵۵ به تدریج به روند رشد جمعیت کل نزدیک تر گردیده و بالاخره در آخرین دهه سرشماری (۸۵-۱۳۷۵) هماهنگ با آن افزایش یافته است. اما زمانی که این فرایند را در زیر مجموعه های زنان و مردان و یا در گروه های سنی مختلف (چه در درون جمعیت مؤسسه ای و چه در مقایسه بین آن با جمعیت کل) پی می گیریم مشاهده می گردد که میزان رشد در این گروه ها با نوسانات بسیار و گاه در جهت مخالف با یکدیگر صورت گرفته است. این میزان ها در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

نمودار ۱- مقایسه میزان رشد در جمعیت های کل و "مؤسسه ای" ۸۵-۱۳۴۵



جدول ۲ - مقایسه میزان رشد جمعیت های کل و "مؤسسه ای" بر حسب گروه های سنی ۸۵-۱۳۴۵

۱۳۷۵-۸۵		۱۳۶۵-۷۵		۱۳۵۵-۶۵		۱۳۴۵-۵۵		سن و جنس
مؤسسه ای	کل	مؤسسه ای	کل	مؤسسه ای	کل	مؤسسه ای	کل	
مرد وزن								
۴/۱	-۲/۹	۵/۸	۰/۵	۱۵/۵	۴/۱	۳	۲/۶	۰-۱۴
۱/۴	۳/۷	۳/۳	۲/۸	۵/۱	۳/۹	۱۰/۲	۵/۳	۱۵-۲۴
۱/۶	۳/۹	۴/۸	۲/۸	۹/۶	۵/۶	۲/۴	۱/۴	۲۵-۳۴
-۰/۴	۳/۵	۴/۸	۵/۴	۹/۵	۱/۴	-۰/۰۲	۱/۹	۳۵-۴۴
۲/۲	۵/۹	۳/۹	۱/۱	۶/۵	۱/۶	۰/۷	۵/۵	۴۵-۵۴
-۰/۱	۲	۴	۰/۹	۶/۸	۶/۹	-۱/۳	۱/۶	۵۵-۶۴
۶/۵	۳/۵	۳/۹	۵/۶	۶/۶	۲/۴	۰	۲	۶۵+
مرد								
۱/۷	-۲/۸	۵/۷	۰/۵	۱۵/۲	۳/۹	۳/۴	۲/۶	۰-۱۴
-۱/۱	۳/۸	۳/۲	۲/۶	۴/۸	۴/۲	۹/۷	۵/۵	۱۵-۲۴
۰/۵	۴	۴/۷	۲/۸	۹/۴	۶	۲/۴	۱/۱	۲۵-۳۴
-۰/۷	۳/۵	۴/۸	۵/۶	۹/۹	۰/۹	-۰/۳۰	۱/۴	۳۵-۴۴
۱/۸	۶/۱	۴/۱	۰/۵	۷/۱	۱/۲	۰/۵	۵/۷	۴۵-۵۴
-۰/۱	۱/۱	۴/۲	۰/۷	۷/۵	۶/۹	-۲/۲	۲/۱	۵۵-۶۴
۴	۳/۴	۳/۴	۶	۵/۳	۲/۱	-۲/۳	۱/۹	۶۵+
زن								
۸/۵	-۲/۹	۵/۹	۰/۶	۱۶/۳	۴/۳	۲/۰۳	۲/۷	۰-۱۴
۱۱/۳	۳/۶	۴/۵	۳	۸/۵	۳/۷	۲۱/۵	۵/۱	۱۵-۲۴
۸/۹	۳/۸	۵/۴	۲/۸	۱۲/۶	۵/۲	۳/۵	۱/۷	۲۵-۳۴
۴/۲	۳/۵	۳/۳	۵/۲	۵	۱/۹	۰	۲/۴	۳۵-۴۴
۵/۵	۵/۷	۲	۱/۷	۲/۶	۲	۱/۴	۵/۳	۴۵-۵۴
۲/۳	۲/۹	۲/۹	۱	۴/۲	۶/۹	۲/۷	۱/۱	۵۵-۶۴
۹	۳/۶	۴/۵	۵/۲	۸/۷	۲/۷	۶/۹	۲/۲	۶۵+

*میزان های رشد جمعیت مؤسسه ای در دهه های ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵ بر اساس جمعیت تخمینی سال ۱۳۶۵ محاسبه گردیده است.

۲- روند تغییرات ساختار سنی - جنسی "جمعیت مؤسسه ای" کشور ۸۵-۱۳۴۵

شکل گیری مؤسسات گروهی در مراحل اولیه بیشتر به منظور ارائه خدمات در راستای اهداف نظامی، آموزشی و بهداشتی - درمانی صورت گرفته و از آنجا که حضور زنان در صحنه های اجتماعی و اقتصادی کشور در سال هایی که اولین سرشماری از جمعیت مؤسسه ای انجام گردیده بسیار اندک بوده است، بنابراین اکثریت (۹۴/۲ درصد) جمعیت مؤسسه ای سال ۱۳۴۵ را مردان

تشکیل می داده اند. اما روند گسترش آموزش در بین زنان و حضور بیشتر آنان در فعالیت های سازنده کشور، تحولات جمعیتی از قبیل افزایش امید زندگی و در نتیجه افزایش جمعیت زنان سالمند و به طور کلی رویدادهای فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی دهه های اخیر از جمله عواملی بوده اند که موجب گردیده اند تا هم شمار زنان در مؤسسات گروهی (از قبیل مراکز اداری، آموزشی، درمانی، تأدیبی و تنبیهی و نیز تأسیسات رفاهی و حمایتی) افزایش یابد و هم توزیع سنی آنان پیوسته در جهت همگرایی با توزیع سنی جمعیت مردان دگرگون گردد، به طوری که شاخص ناهمسانی در توزیع سنی گروه زنان نسبت به مردان از ۳۷/۱۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۰/۲ در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.

جدول ۳ - ترکیب جنسی "جمعیت مؤسسه ای" کشور (۱۳۴۵-۸۵)

سال	تعداد جمعیت	درصد مردان	درصد زنان	جمع (درصد)	نسبت مرد به زن
۱۳۴۵	۱۵۸۸۷۹	۹۴/۲	۵/۸	۱۰۰	۱۶/۳
۱۳۵۵	۳۵۸۲۳۶	۹۱/۲	۸/۸	۱۰۰	۱۰/۳
۱۳۶۵	۶۴۸۱۴۱	۸۷/۹	۱۲/۱	۱۰۰	۷/۳
۱۳۷۵	۹۳۸۰۴۷	۸۶/۶	۱۳/۴	۱۰۰	۶/۵
۱۳۸۵	۱۱۰۴۱۵۲	۶۹/۴	۳۰/۶	۱۰۰	۲/۳

اکنون با توجه به جداول شماره های ۴ و ۵ دگرگونی ترکیب سنی - جنسی جمعیت مؤسسه ای کشور طی دهه های اخیر را در گروه های سنی ده ساله مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

جدول ۴ - روند تغییرات ساختار سنی - جنسی جمعیت مؤسسه ای کشور طی سال های ۱۳۴۵-۸۵

سن	سال ۱۳۴۵		سال ۱۳۵۵		سال ۱۳۶۵		سال ۱۳۷۵		سال ۱۳۸۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۰-۱۴	مرد و زن	۸۶۸۰	۷۰/۵	۲۹/۵	۱۱۶۴۹	۷۲/۴	۲۶/۶	۱۲۹۶۷۸	۵۶/۴	۴۲/۶
	مرد و زن	۱۱۶۱۶۹	۹۷	۳	۳۰۷۷۸۸	۹۲	۸	۶۸۷	۳۱/۳	۶۸/۷
۱۵-۲۴	مرد و زن	۱۷۶۰۴	۹۴/۳	۵/۷	۲۲۳۷۵	۹۳/۶	۶/۴	۱۰۴۹۴۵	۸۲/۵	۱۷/۵
	مرد و زن	۱۶۶۰	۸۹/۴	۱۰/۶	۸۶۳۷	۸۹/۳	۱۰/۷	۳۲۷۷۵	۹۰/۳	۹/۷
۲۵-۳۴	مرد و زن	۴۱۳۴	۸۵/۶	۱۴/۴	۴۴۲۶	۸۴/۵	۱۵/۵	۱۵۲۲۹	۸۷/۶	۱۲/۴
	مرد و زن	۲۱۳۳	۸۲/۶	۱۵/۴	۱۸۷۱	۷۷	۲۳	۷۹۵	۲۰/۵	۷۹/۵
۳۵-۴۴	مرد و زن	۱۴۹۹	۸۲/۴	۱۷/۶	۱۴۹۰	۶۵/۳	۳۴/۷	۷۷۸۹	۴۲/۶	۵۶/۴
	مرد و زن	۱۵۸۸۷۹	۳۵۸۲۳۶	۶۴۸۱۴۱	۹۳۸۰۴۷	۱۱۰۴۱۵۲				

جدول ۵- روند تغییرات ترکیب سنی "جمعیت مؤسسه ای" بر حسب جنس (۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵)

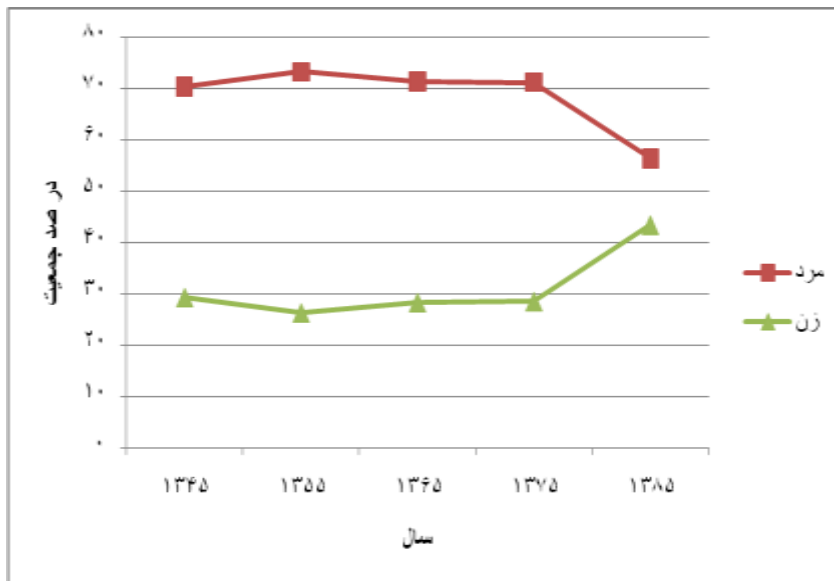
اختلاف درصدی (مبتدا: دهه قبل)					درصد جمعیت					سن و جنس
۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	مرد و زن
۲/۴۶	۱/۶۷	۴/۳۶	-۲/۲۱		۱۱/۷۴	۹/۲۸	۷/۶۱	۳/۲۵	۵/۴۶	۰-۱۴
-۱/۹۸	-۲/۹۶	-۷/۷۶	۱۲/۸		۷۳/۲۲	۷۵/۲	۷۸/۱۶	۸۵/۹۲	۷۳/۱۲	۱۵-۲۴
-۱/۰۶	۰/۹۱	۲/۴	-۴/۸۳		۹/۵	۹/۵۶	۸/۶۵	۶/۲۵	۱۱/۰۸	۲۵-۳۴
-۱/۶۵	۰/۳۳	۰/۸۸	-۳/۰۴		۲/۹۷	۳/۶۲	۳/۲۹	۲/۴۱	۵/۴۵	۳۵-۴۴
۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۰۵	-۱/۳۷		۱/۳۸	۱/۳	۱/۲۸	۱/۲۳	۲/۶	۴۵-۵۴
-۱/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۸۲		۰/۴۸	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۵۲	۱/۳۴	۵۵-۶۴
۰/۲۶	۰	۰/۰۲	-۰/۵۲		۰/۷	۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۴۲	۰/۹۴	۶۵+
۲/۷۹	۲/۹۵	۷/۷۵	۱۲/۸	شاخص نامحسانی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع درصد
					۱۱۰۴۱۵۲	۹۳۸۰۳۷	۶۴۸۱۴۱	۳۵۸۲۳۶	۱۵۸۸۱۷۹	جمع: تعداد
										مرد
۱/۹۲	۱/۴۴	۳/۵۸	-۱/۴۷		۹/۵۶	۷/۶۴	۶/۲	۲/۶۲	۴/۰۹	۰-۱۴
-۲/۶۲	-۳/۰۳	-۷/۵۴	۱۱/۴۶		۷۲/۵۳	۷۶/۱۵	۷۹/۱۸	۸۶/۷۲	۷۵/۲۶	۱۵-۲۴
۱/۲۲	۱/۰۵	۲/۶۲	-۴/۶۸		۱۱/۳	۱۰/۰۸	۹/۰۳	۶/۴۱	۱۱/۰۹	۲۵-۳۴
-۱/۰۶	۰/۴۵	۱/۱۲	-۲/۸۱		۳/۸۷	۳/۹۳	۳/۴۸	۲/۳۶	۵/۱۷	۳۵-۴۴
۰/۳۷	۰/۰۷	۰/۱۶	-۱/۲۲		۱/۷۴	۱/۳۷	۱/۳	۱/۱۴	۲/۳۶	۴۵-۵۴
۰	۰/۰۳	۰/۰۸	-۰/۷۶		۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۲	۰/۴۴	۱/۲	۵۵-۶۴
۰/۱۶	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۵۳		۰/۴۴	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۳	۰/۸۳	۶۵+
۳/۶۸	۲/۰۴	۷/۵۵	۱۱/۴۶	شاخص نامحسانی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع درصد
					۷۶۵۷۹۳	۸۱۲۶۲۱	۵۶۹۶۱۱	۳۲۶۶۰۴	۱۴۹۶۸۰	جمع: تعداد
										زن
-۲/۲۶	۲/۰۵	۸/۰۹	-۱۸/۰۶		۱۶/۶۹	۱۹/۹۵	۱۷/۹	۹/۸۱	۲۷/۸۷	۰-۱۴
۵/۶۸	-۱/۷۲	-۶/۸۲	۳۹/۳۹		۷۴/۷۵	۶۹/۰۷	۷۰/۷۹	۷۷/۶۱	۳۸/۲۲	۱۵-۲۴
-۱/۸۳	۰/۳۶	۱/۴۱	-۶/۴۸		۵/۴۴	۶/۲۷	۵/۹۱	۴/۵	۱۰/۹۸	۲۵-۳۴
-۱/۷۳	-۰/۲۵	-۱	-۷/۰۹		۰/۹۴	۱/۶۷	۱/۹۲	۲/۹۲	۱۰/۰۱	۳۵-۴۴
-۱/۳۲	-۰/۲۶	-۱/۰۳	-۴/۳۱		۰/۵۶	۰/۸۸	۱/۱۴	۲/۱۷	۶/۴۸	۴۵-۵۴
-۱/۳۷	-۰/۱۳	-۰/۵۴	-۲/۲۱		۰/۳۲	۰/۶۹	۰/۸۲	۱/۳۶	۳/۵۷	۵۵-۶۴
-۱/۱۹	-۰/۰۳	-۰/۱۲	-۱/۲۴		۱/۲۹	۱/۴۸	۱/۵۱	۱/۶۲	۲/۸۷	۶۵+
۵/۶۹	۲/۶	۹/۵	۳۹/۳۹	شاخص نامحسانی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع درصد
					۳۳۸۳۵۹	۱۲۵۴۲۶	۷۸۵۳۰	۳۱۶۳۲	۹۱۹۹	جمع: تعداد

*تعداد جمعیت مؤسسه ای در این سال بر اساس جمعیت سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ برآورد گردیده است.

همان گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می گردد در اولین سرشماری در سال ۱۳۴۵، ۸۶۸۰ نفر (۵/۵ درصد) از کل جمعیت مؤسسه ای را کودکان زیر ۱۵ ساله تشکیل می داده اند که سهم مردان و زنان در این گروه سنی به ترتیب برابر با ۷۰/۵ و ۲۹/۵ درصد بوده است. نظر به اینکه در این

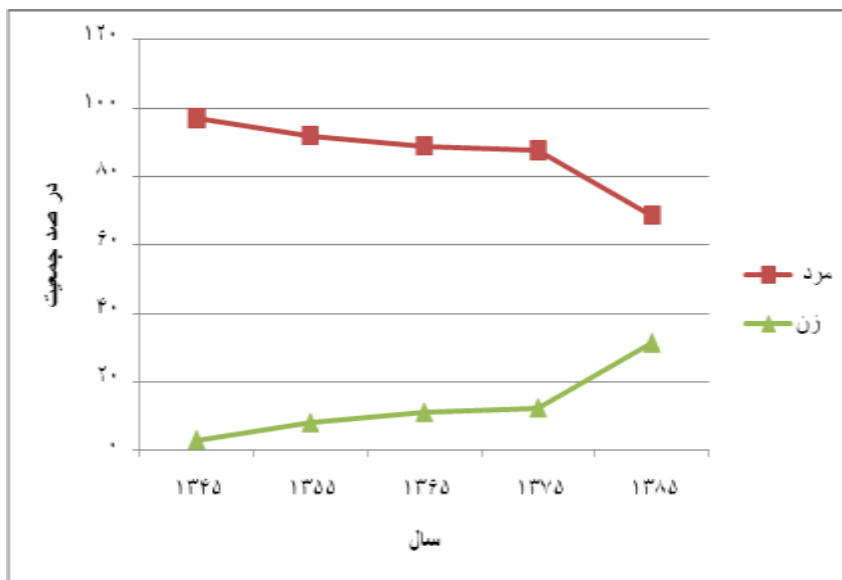
سال کلیه بیماران بیمارستان‌ها جزء جمعیت مؤسسه ای محسوب می گردیده اند، شمار نسبتاً بالای کودکان نسبت به کل این جمعیت را می توان تا حدودی ناشی از شرایط نامناسب بهداشتی و شیوع بیماری های واگیر در بین کودکان که منجر به بستری شدن آنان در بیمارستان ها می گردیده دانست. چنانچه این رقم در سال ۱۳۵۵ و به موازات بهبود نسبی شرایط بهداشتی کشور به ۳/۲۵ درصد کل جمعیت مؤسسه ای (۱۱۶۴۹ نفر) کاهش یافته است (البته یکی از دلایل این کاهش سهم در گروه کودکان نیز نرخ بسیار بالای رشد در گروه سنی ۲۴-۱۵ ساله طی دهه ۵۵-۱۳۴۵ بوده است). این روند مجدداً در دهه بعد سیری صعودی پیموده و ۴۹۳۶۱ نفر (۷/۶ درصد) از جمعیت مؤسسه ای (تخمینی) سال ۱۳۶۵ را کودکان کمتر از ۱۵ ساله تشکیل داده اند. با توجه به اینکه در این سال بیماران (جسمی) بیمارستان ها از شمار جمعیت مؤسسه ای حذف گردیده اند، افزایش چشمگیر تعداد کودکان در کل جمعیت مؤسسه ای سال مذکور را می توان ناشی از ورود تعداد زیادی مهاجر افغانی به کشور، ایجاد اردوگاه های مهاجرین جنگ تحمیلی و نیز افزایش بی سابقه جمعیت کل کشور در دهه قبل از آن دانست. این روند صعودی در دهه بعد نیز همچنان ادامه یافته و شمار کودکان زیر ۱۵ ساله (مؤسسه ای) در سرشماری سال ۱۳۷۵ به ۸۷۰۷۳ نفر (۹/۲۸ درصد کل جمعیت ساکن در مؤسسات) افزایش یافته و از آنجا که ۹۶ درصد از این کودکان در سنین بین ۱۰ تا ۱۴ سالگی قرار داشته اند و با توجه به اینکه ۱۸/۳ درصد از جمعیت کل کشور در سال ۱۳۶۵ را کودکان کوچک تر از ۵ ساله تشکیل می داده اند، می توان یکی از دلایل روند فزاینده این گروه خاص از جمعیت مؤسسه ای را نرخ بالای موالید کشور در سال های ۶۵-۱۳۶۰ دانست. ادامه این روند صعودی تا دهه بعد نیز منجر به آن گردید تا ۱۱/۷۴ درصد (۱۲۹۶۷۸ نفر) از جمعیت مؤسسه ای در سال ۱۳۸۵ را نیز کودکان زیر ۱۵ ساله تشکیل دهند، که سهم مردان و زنان در این گروه سنی به ترتیب برابر با ۵۶/۴ و ۴۳/۶ درصد بوده است. نکته قابل توجه اینکه سهم زنان در این گروه سنی که در دهه های گذشته همواره کمتر از ۳۰ درصد بوده در این سال به ۴۳/۶ درصد (۵۶۴۸۱ نفر) افزایش یافته که نزدیک به ۹۷ درصد از این جمعیت در سنین بین ۱۴-۱۰ سالگی قرار داشته اند.

نمودار ۲- روند تغییر سهم تعداد مردان و زنان مؤسسه ای در گروه سنی ۱۴-۰ ساله ۸۵-۱۳۴۵



اما ۷۳/۱۲ درصد از جمعیت مؤسسه ای سال ۱۳۴۵ را جوانان (۱۵-۲۴ ساله) تشکیل می داده اند که این رقم در جمعیت مردان تقریباً دو برابر گروه مشابه در جمعیت زنان بوده و به طور کلی سهم مردان و زنان جوان از کل جمعیت مردان و زنان مؤسسه ای به ترتیب برابر با ۷۵/۲۶ و ۳۸/۲۲ درصد بوده است و همان طور که در بخش های قبلی نیز مطرح گردید، پایین بودن سهم زنان در این گروه سنی خود حاکی از حضور بسیار کم آنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی بوده است. لازم به یادآوری است که در این سال کلیه بیماران بیمارستان ها نیز در شمار جمعیت مؤسسه ای محسوب گردیده اند و رقم ۳۸ درصد در برگیرنده زنانی که در مراکز درمانی به سر می برده اند نیز بوده و بدین ترتیب حضور فعال زنان در دیگر مؤسسات گروهی از قبیل مؤسسات اداری و یا آموزشی بسیار ناچیز بوده است. سهم زنان از جمعیت کل افراد مؤسسه ای (هر دو جنس) در این گروه سنی طی دهه ۵۵-۱۳۴۵ از ۳ درصد به ۸ درصد افزایش یافته، علاوه بر آنکه در این سال سهم کل جوانان در جمعیت مؤسسه ای نیز بالغ بر ۸۶ درصد بوده است، که این روند افزایشی در سهم جوانان را بایستی در نتیجه ایجاد و گسترش تأسیسات نظامی، اداری، آموزشی و درمانی و خصوصاً ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی لازم جهت حضور بیشتر زنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی کشور دانست.

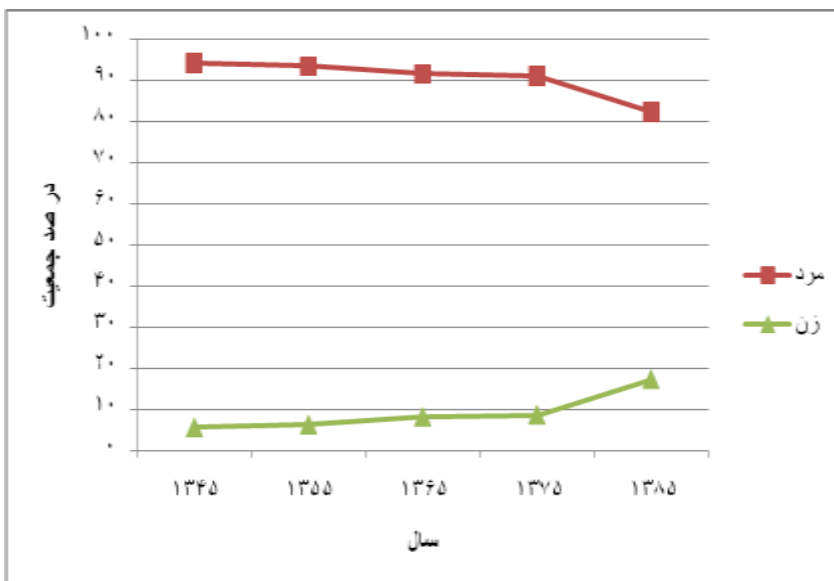
نمودار ۳- روند تغییر سهم تعداد مردان و زنان مؤسسه ای در گروه سنی ۲۴-۱۵ ساله ۸۵-۱۳۴۵



در سال ۱۳۶۵ به دلیل در دست نبودن اطلاعات کامل و قابل مقایسه از جمعیت مؤسسه ای، آن را بر مبنای جمعیت سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ برآورد نموده و بر این اساس تعداد جوانان ۵۰۶۵۹۳ نفر یعنی ۷۸/۱۶ درصد جمعیت مؤسسه ای تخمین زده شده است (جدول ۵). اما با توجه به مقتضیات زمان جنگ و حضور بسیار فعال جوانان در قالب نیروهای بسیجی و سپاهی (علاوه بر نیروهای نظامی و انتظامی) به نظر می رسد که توزیع سنی جمعیت مؤسسه ای در این سال به گونه ای دیگر بوده و گروه های سنی جوان سهم بیشتری از جمعیت مؤسسه ای را در بر می گرفته اند. بنابراین بررسی روند تغییرات در ساختار سنی را با مراجعه به آمار مربوط به سال ۱۳۷۵ پی می گیریم و همان طور که در جداول مربوطه مشاهده می گردد، جمعیت جوان در این سال ۷۵/۲ درصد کل جمعیت مؤسسه ای (۷۰۵۴۰۰ نفر) را شامل می گردیده و این رقم در گروه مردان و زنان (نسبت به کل جمعیت مردان و زنان در این گروه سنی) به ترتیب برابر با ۷۶/۱۵ و ۶۹/۰۷ درصد بوده است. که این ارقام نسبت به جمعیت فرضی سال ۱۳۶۵ نیز به ترتیب از اختلاف ۳/۰۳ و ۱/۷۲ درصدی برخوردار بوده و با توجه به آنچه راجع به مقتضیات زمان جنگ گفته شد به نظر می رسد که این اختلاف درصدی باز هم بیشتر از مقادیر مذکور باشد. این روند کاهشی در جمعیت کل و نیز گروه مردان تا سال ۱۳۸۵ نیز ادامه یافته به طوری که در این سال جوانان در کل جمعیت

مؤسسه ای و در گروه مردان به ترتیب با ۱/۹۸ و ۳/۶۲ درصد کاهش نسبت به دهه قبل مواجه بوده اند. اما این روند در گروه زنان بر خلاف مردان سیری صعودی پیموده و جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله با ۵/۷ درصد اختلاف نسبت به دهه قبل به ۷۴/۷۵ درصد کل جمعیت زنان افزایش یافته اند، که یکی از دلایل این امر را می توان راهیابی بیشتر زنان به مؤسسات آموزش عالی و در نتیجه افزایش شمار ساکنین خوابگاه های دانشجویی دانست. البته این روند افزایشی بایستی از ابعاد گوناگون و با توجه به تغییر تعداد زنان در گروه های مختلف تحت شمول جمعیت مؤسسه ای مورد تجزیه و تحلیل دقیق تر قرار گیرد.

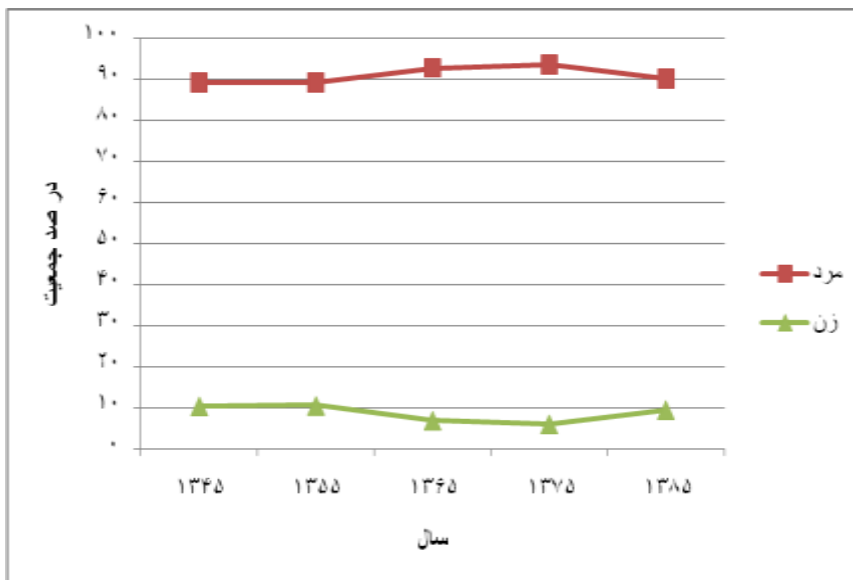
نمودار ۴- روند تغییر سهم تعداد مردان و زنان مؤسسه ای در گروه سنی ۲۵-۳۴ ساله ۸۵-۱۳۴۵



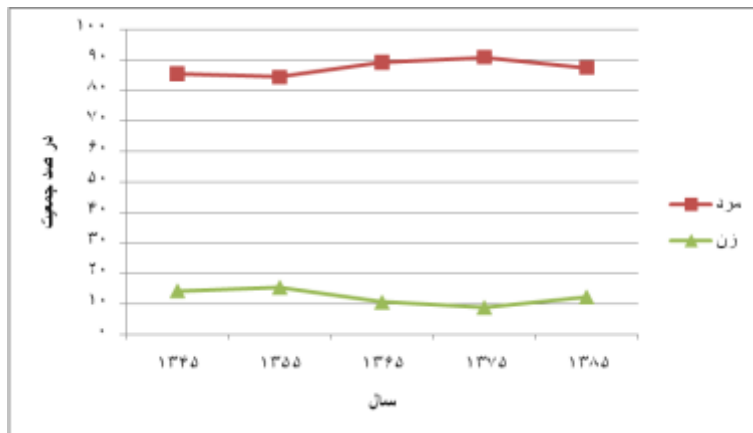
اما در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سالگی تعداد افراد در جمعیت مؤسسه ای با افت شدید نسبت به گروه سنی قبلی همراه بوده و چنانچه در جدول شماره ۵ مشاهده می گردد در سال ۱۳۴۵ تعداد افراد در این گروه سنی تقریباً ۱۱ درصد کل جمعیت مؤسسه ای را هم در گروه زنان و هم در گروه مردان تشکیل می داده اند که این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۶/۲۵ درصد کاهش یافته، اما مجدداً در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب به ۸/۶۵ و ۹/۵۶ درصد کل جمعیت (به ترتیب برابر با ۵۶۰۶۹ و ۸۹۷۶۳ نفر) افزایش یافته و بالاخره در سال ۱۳۸۵ با آنکه سهم این گروه سنی در کل جمعیت

مؤسسه ای نسبت به دهه قبل تا حدودی ثابت مانده، اما سهم جمعیت زنان با ۸/۷ درصد افزایش بیش از ۱۷ درصد جمعیت در این گروه سنی (جدول شماره ۴) را به خود اختصاص داده بوده اند. این روند کاهشی در گروه های سنی بعدی نیز پیوسته ادامه یافته و مثلاً تعداد افراد ۳۵-۴۴ ساله در سال ۱۳۴۵ تنها ۵/۵ درصد کل جمعیت مؤسسه ای (۸۶۶۰ نفر) را تشکیل می دادند که این رقم در سال ۱۳۵۵ با افت شدید نسبت به دهه قبل (خصوصاً در جمعیت زنان) همراه بوده اما پس از سال ۱۳۶۵ سهم زنان و مردان در این گروه سنی تغییرات بسیار اندکی را دارا بوده است.

نمودار ۵- روند تغییر سهم تعداد مردان و زنان مؤسسه ای در گروه سنی ۳۵-۴۴ ساله ۱۳۴۵-۸۵

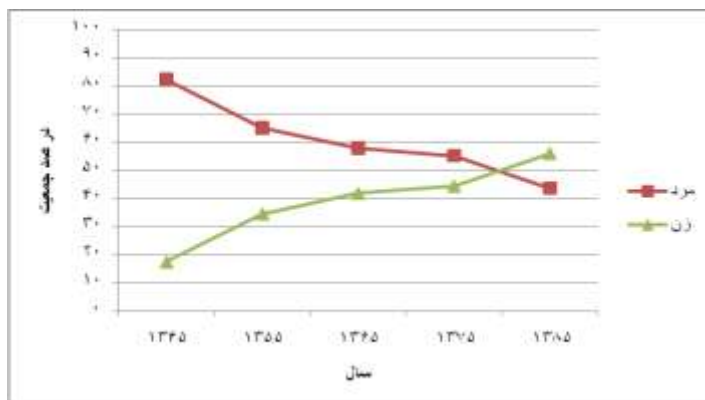


نمودار ۶- روند تغییر سهم تعداد مردان و زنان مؤسسه ای در گروه سنی ۴۵-۵۴ ساله ۸۵-۱۳۴۵



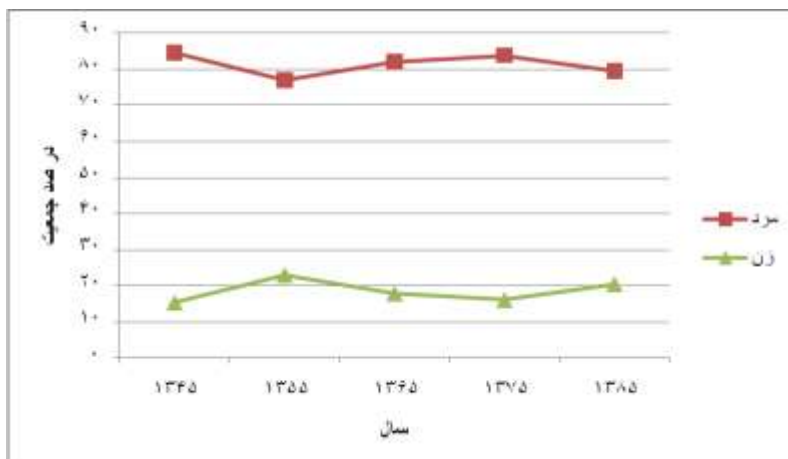
و یا گروه ۴۵-۵۴ ساله ها تنها ۲/۶ درصد کل جمعیت مؤسسه ای (۴۱۳۴ نفر) در سال ۱۳۴۵ را شامل می گردیده اند که این رقم در دهه های بعد نیز کاهش یافته است، ضمن آنکه سهم زنان در گروه های سنی مذکور نسبت به کل جمعیت زنان (مؤسسه ای) همواره بیشتر از گروه های مشابه در جمعیت مردان بوده است.

نمودار ۷- روند تغییر سهم تعداد مردان و زنان مؤسسه ای در گروه سنی ۵۵-۶۴ ساله ۸۵-۱۳۴۵



در گروه سنی ۵۵-۶۴ ساله نیز به غیر از کاهش شدیدی که طی دهه ۵۵-۱۳۴۵ مشاهده می گردد، بعد از سال ۱۳۵۵ تعداد این گروه خصوصا در جمعیت مردان تقریبا ثابت و یا با تغییرات بسیار اندکی همراه بوده است.

نمودار ۸- روند تغییر سهم تعداد مردان و زنان در کل جمعیت سالمندان مؤسسه ای ۸۵-۱۳۴۵



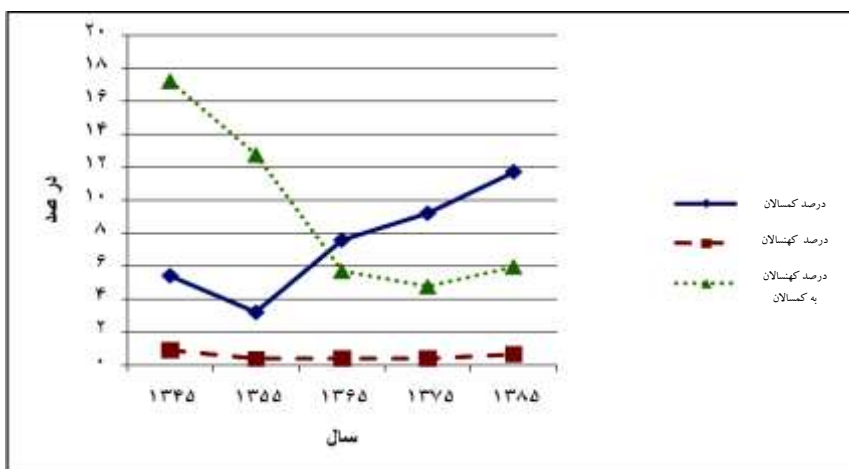
و بالاخره در گروه سالمندان پس از کاهشی که طی دهه ۵۵-۱۳۴۵ در جمعیت هر دو جنس اتفاق افتاده، سهم این گروه تا سال ۱۳۷۵ در کل جمعیت مؤسسه ای کماکان ثابت مانده و طی دهه اخیر به ۰/۷ درصد افزایش یافته است (جدول شماره ۵). این در حالی است که سهم زنان سالمند در کل جمعیت سالمندان مؤسسه ای طی چهار دهه همواره در حال افزایش بوده و از ۱۷/۶ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۶/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (جدول ۴).

به طور کلی توزیع سنی جمعیت مؤسسه ای کشور طی چهار دهه اخیر همواره در جهت همسانی و همگرایی بیشتر تغییر نموده، به گونه ای که شاخص ناهمسانی (نسبت به دهه قبل) از ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲/۸ در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. این سیر نزولی در گروه زنان شدیدتر از مردان صورت گرفته و همان طور که در جدول شماره ۵ دیده می شود، در حالی که شاخص ناهمسانی در گروه مردان از ۱۱/۴۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳/۶۸ در سال ۱۳۸۵ تنزل یافته، این ارقام در گروه زنان به ترتیب برابر با ۳۹/۴ و ۵/۷ درصد بوده است. در مجموع می توان گفت که جمعیت مؤسسه ای کشور با توجه به شاخص هایی مانند میانه سنی، درصد کمسالان و درصد کهنسالان، در تمام دوره ها از ساختار سنی جوان برخوردار بوده است.

جدول ۶- شاخص های سالخوردگی "جمعیت مؤسسه ای" کشور ۸۵-۱۳۴۵

شاخص پیری یا جوانی جمعیت مؤسسه ای				سال
نسبت کهنسالان به صد نفر کمسال	درصد کهنسالان در جمعیت	درصد کمسالان در جمعیت	میانه سنی	
۱۷/۲۷	۰/۹۴	۵/۴۶	۲۲/۷	۱۳۴۵
۱۲/۷۹	۰/۴۱	۳/۲۵	۲۱/۴	۱۳۵۵
۵/۷۳	۰/۴۴	۷/۶۱	۲۱	۱۳۶۵
۴/۷۶	۰/۴۴	۹/۲۸	۲۱/۱	۱۳۷۵
۶	۰/۷	۱۱/۷۴	۲۱	۱۳۸۵

نمودار ۹- شاخص های سالخوردگی "جمعیت مؤسسه ای" کشور ۸۵-۱۳۴۵



خلاصه و نتیجه گیری

تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی دهه های اخیر از جمله عواملی بوده اند که موجب گردیده اند تا تعداد جمعیت ساکن در مؤسسات گروهی کشور از ۱۵۸۸۷۹ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۱۰۴۱۵۲ نفر و به عبارتی به حدود ۷ برابر در سال ۱۳۸۵ افزایش یابد. اما به طور کلی گروه هایی که طی این فرایند جمعیتی سریع ترین روند رشد را سپری نموده و یا به تبعیت از افت و خیزهای اقتصادی و اجتماعی از شدیدترین نوسانات برخوردار بوده اند عبارتند از گروه های کودکان زیر ۱۵ ساله، جوانان ۲۴-۱۵ ساله، زنان و سالمندان (افراد بالای ۶۵ ساله) که سیر تحولات در ساختار جمعیتی آنان به صورت زیر خلاصه می گردد^۱:

در گروه کودکان: مجموعه کودکانی که در خارج از خانواده و در مراکز درمانی و آموزشی، پرورشگاه ها، کانون های اصلاح و تربیت و دیگر مؤسسات به صورت گروهی زندگی می کنند دائما در حال افزایش بوده و سهم تعداد آنان از ۵/۵ درصد کل جمعیت مؤسسه ای در سال ۱۳۴۵ به ۱۱/۷ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته، که این روند افزایشی با تغییراتی در ساختار سنی-جنسی این گروه از کودکان نیز همراه بوده و این تغییرات از دو جنبه قابل بررسی می باشد: اول این که در سرشماری سال های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ تعداد کودکان کوچکتر از ۵ ساله در جمعیت مؤسسه ای رقم قابل توجهی را به خود اختصاص داده بوده اند^۲، اما این رقم در سال ۱۳۶۵ و دهه های بعد از آن دائما رو به کاهش نهاده و به موازات این سیر نزولی، تعداد کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله از روندی صعودی برخوردار گردیده است. دوم این که سهم دختران در کل کودکان ۱۴-۱۰ ساله مؤسسه ای طی دهه های اخیر همواره روندی صعودی پیموده و به عنوان مثال از ۲۸/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۳/۶ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. در هر حال با توجه به روند فزاینده شمار افراد ۱۴-۱۰ ساله ساکن در مؤسسات گروهی طی دهه های اخیر، برخی از عوامل این پدیده جمعیتی را می

۱- اگرچه تعداد جوانان ۲۴-۱۵ ساله همواره بیشترین سهم از جمعیت مؤسسه ای را به خود اختصاص داده و در برخی از دوره ها نیز سریع ترین روند رشد را سپری نموده اند، اما به دلیل عدم اطلاع از نوع مؤسسه ای که در آن به سر می برده اند در اینجا از بحث و بررسی در باره آنها صرف نظر گردیده است.

۲- لازم به یادآوری است که در سرشماری سال های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ کلیه بیماران بیمارستان ها و در سال ۱۳۶۵ و دوره های بعد از آن تنها بیماران روانی جزء جمعیت مؤسسه ای شمارش شده اند.

توان مربوط به رشد شتابان جمعیت، تسریع روند مهاجرت روستاییان به شهرها و گسترش دامنه حاشیه نشینی، ایجاد و گسترش مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست و نیز توسعه مراکز آموزشی شبانه روزی (خصوصاً در روستاها) دانست، که بررسی دقیق این روند جمعیتی خود مستلزم دسترسی به آمار موثق از زیرمجموعه های تحت شمول کودکان مؤسسه ای می باشد.

در گروه زنان: روند گسترش آموزش زنان و افزایش حضور آنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی همراه با تحولات جمعیتی از قبیل افزایش امید زندگی و در نتیجه افزایش جمعیت زنان سالمند و به طور کلی تحولات فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی دهه های اخیر از جمله عواملی بوده اند که موجب گردیده اند تا بر تعداد زنان ساکن در مؤسسات گروهی کشور همواره افزوده شده و به عبارتی نسبت جنسی از رقمی معادل ۱۶۲۷ در سال ۱۳۴۵ به رقمی معادل ۲۲۶ در سال ۱۳۸۵ کاهش یابد. اما این روند صعودی در جمعیت زنان به طور یکنواخت صورت نگرفته بلکه با نوساناتی همراه بوده است، به طوری که مثلاً در گروه های سنی کودکان، افراد ۲۴-۱۵ ساله و یا سالمندان در برخی از سال ها میزان رشد در جمعیت زنان بسیار بیشتر از مردان بوده است. با این حال تعداد مطلق جمعیت زنان در اکثر گروه های سنی (به غیر از گروه سالمندان در برخی از سالها) همواره کمتر از تعداد مردان بوده و بیشترین فاصله بین جمعیت زنان و مردان مؤسسه ای در سنین بین ۲۵ تا ۵۴ سالگی مشاهده می گردد و می توان چنین استنباط نمود که این سنین تقریباً مصادف با اتمام تحصیلات زنان و کاهش حضور آنان در صحنه های اجتماعی و اقتصادی می باشد. اگر چه این امر بایستی از ابعاد گوناگون و با آگاهی از تعداد زنان ساکن در کلیه مؤسسات گروهی (در مقایسه با مردان) مورد تجزیه و تحلیل دقیق تر قرار گیرد.

در گروه سالمندان: افزایش امید زندگی و در نتیجه روند صعودی جمعیت سالمندان کل کشور، میزان بالای مهاجرت به خارج از کشور، تجزیه خانواده های گسترده و عدم پذیرش سالمندان در برخی از خانواده های هسته ای و یا به سخن دیگر تضعیف ارزش های مبتنی بر حرمت سالمندان در نتیجه تحولات فرهنگی- اجتماعی از جمله عواملی بوده اند که موجب گردیده اند تا شمار آنان در آسایشگاه ها و دیگر مؤسسات گروهی طی دهه های اخیر همواره رو به افزایش نماید، به طوری که مثلاً میزان رشد سالانه جمعیت سالمندان مؤسسه ای در دهه ۸۵-۱۳۷۵ برای گروه مردان و زنان به

ترتیب برابر با ۴ و ۹ درصد بوده در حالی که این ارقام در جمعیت سالمندان کل کشور به ترتیب برابر با ۳/۴ و ۳/۶ درصد بوده است.

به طور کلی می توان گفت که سیر صعودی جمعیت مؤسسه ای طی سال های ۸۵-۱۳۴۵ با تغییراتی در ساختار سنی_جنسی نیز همراه بوده، به گونه ای که ترکیب سنی جمعیت جوان تر گردیده و سهم تعداد زنان در کل جمعیت مؤسسه ای از ۵/۸ درصد به ۳۰/۷ افزایش یافته است. در پایان لازم است به این نکته اشاره گردد که با آن که آمارهای به دست آمده از جمعیت مؤسسه ای کشور حاکی از روند فزاینده تعداد گروه هایی مانند کودکان در اقامتگاه های جمعی می باشد، اما واقعیت امر آن است که آمارهای مذکور خود به دلیل ابهام و نارسایی در برخی از تعاریف به کار برده شده و یا عدم هماهنگی در به کارگیری شیوه های اجرایی (چه در زمان اسکان افراد واجد شرایط در مؤسسات مربوطه و چه در زمان اجرای سرشماری)، کلیه افراد مورد تأکید و توجه سازمان ملل را تحت پوشش قرار نداده و از این رو گویای روند واقعی افزایش جمعیت های مذکور نمی باشد، بلکه تنها می تواند تصویری کلی از روندهای جمعیتی مورد نظر ارائه نماید. این امر در مورد ورود زنان به برخی از مؤسسات گروهی به دلیل وجود موانع فرهنگی-اجتماعی و یا پذیرش سالمندان در برخی از آسایشگاه ها به دلیل مخدوش بودن تعاریف مربوط به تمایز آنان از بیماران روانی نیز صادق می باشد. از این رو در زمان اجرای سرشماری خانوارهای مؤسسه ای، وجود تعاریفی که بر اساس آنها بتوان ساکنین مؤسسات جمعی را از یکدیگر متمایز و مشخصا در گروه های جداگانه دسته بندی نمود بیش از هر چیز لازم و ضروری به نظر می رسد، زیرا اعمال این گونه دسته بندی ها محقق را قادر می سازد تا (در صورت دسترسی به این داده ها) روند تغییرات ایجاد شده را دقیقاً پی گیری و در موارد مقتضی آنها را با یکدیگر مقایسه و تطبیق نماید.

منابع

- بهنام، جمشید (۱۳۸۳). **تحولات خانواده**. ترجمه محمد جعفر پوینده. تهران: سازمان انتشارات ماهی.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۶). **تحلیل جمعیت شناختی**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتاب های درسی دانشگاهها (سمت).
- سازمان ملل متحد (۱۳۶۳). **توصیه هایی برای سرشماری نفوس و مسکن دهه ۱۹۸۰ کشورهای آسیایی و حوزه اقیانوس آرام**. ترجمه گیتی مختاری. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان ملل متحد (۱۳۸۴). **توصیه هایی برای سرشماری نفوس و مسکن دهه ۲۰۰۰**. ترجمه مرکز آمار ایران تهران: مرکز آمار ایران.
- سرایی، حسن (۱۳۸۲). **روش های مقدماتی تحلیل توزیع و ترکیب جمعیت**. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سرایی، حسن (۱۳۸۳). **روش های مقدماتی تحلیل جمعیت (با تأکید بر باروری و مرگ و میر)**. تهران: دانشگاه تهران.
- سرایی، حسن (۱۳۷۵). "ملاحظات کلی در خصوص روش شناسی جمعیت شناسی". **تحقیق در علوم انسانی**. شماره ۱.
- سرایی، حسن (۱۳۷۰). "در باره نرخهای رشد جمعیت ایران ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵" **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵). **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور**. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵). **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور**. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور**. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور**. تهران: مرکز آمار ایران.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور. تهران..

- مرکز آمار ایران (۱۳۷۴). فرهنگ تعاریف و مفاهیم به کار رفته در طرحها و گزارشهای آماری. تهران.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲). گزیده ای از توصیه های سازمان ملل متحد برای سرشماری های عمومی نفوس و مسکن دهه ۱۹۹۰. تهران: مرکز آمار ایران.

-Routledge (1999). *Goffman and Social Organization‘ Studies in a Sociological Legacy (Routledge Studies in Social and Political Thought)*. London and New York.

- United Nations (1989). *demographic yearbook‘ 1987‘ Household and Family Statistics*. New York; United Nations.

نام سایت های مورد استفاده قرار گرفته :

- Erving Goffman (2005). *Characteristics of Total Institutions*.

<http://www.diligio.com/goffman.htm> (January 17,2005).

-U.S. Census Bureau, Housing and Household Economic Statistic Division (2008).*Current Population Survey (CPS)-Definition and Explanations*.

<http://www.census.gov/population/www/cps/cpsdef.html> (November 18,2008).

-Wikipedis. *Population Ageing*

- <http://en.wikipedia.org/wiki/population> aging (May 2008).